

به نام خدا

## پشت پرده گفتگوهای آمریکا و اسرائیل درباره برنامه هسته‌ای ایران

### فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۳.....	پیشینه گفتگوهای دوجانبه
۴.....	ارزیابی مشترک آمریکا و اسرائیل در خصوص تهدید ایران
۷.....	گزینه‌های استراتژیک در گفتگوهای دوجانبه در خصوص مسئله هسته‌ای ایران
۱۰.....	واگرایی آمریکا و اسرائیل در مذاکرات دوجانبه
۱۲.....	سازش با ایران هسته‌ای
۱۵.....	رفع موانع گفتگو در زمینه‌های نظامی
۱۶.....	انجام گفتگوهای دوجانبه
۱۷.....	نتیجه‌گیری

این گزارش خلاصه‌ای است از مقاله  
Speaking about the Unspeakable: U.S.-  
Israeli Dialogue on Iran's Nuclear Program  
که در دسامبر ۲۰۰۷ به وسیله مؤسسه  
The Washington Institute for Near East  
Policy منتشر شده است.

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۸۹۰۰

دفتر: مطالعات سیاسی

اسفند ماه ۱۳۸۶



## پشت پرده گفتگوهای آمریکا و اسرائیل درباره برنامه هسته‌ای ایران

### چکیده

آمریکا و اسرائیل از مدت‌ها قبل همواره روابط خارجی عمیقی با یکدیگر داشته‌اند که به‌طور سنتی مبتنی بر حمایت آمریکا از منافع امنیتی، اقتصادی و دیپلماتیک اسرائیل بوده است. به‌علاوه در سال‌های اخیر با گسترش منافع آمریکا در منطقه، منافع مشترک آمریکا و اسرائیل، حوزه‌هایی نظیر مبارزه با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، تروریسم، بنیادگرایی و غیره را نیز دربرگرفته است. در این میان برنامه هسته‌ای ایران نیز برای هر دو کشور غیرقابل قبول تعریف شده و هدف آنان جلوگیری از آن بوده است. از این‌رو همواره نوعی تبادل مستمر اطلاعات جاسوسی میان آمریکا و اسرائیل درباره برنامه هسته‌ای ایران جریان داشته است. با این وجود به‌نظر نمی‌رسد که مواضع یکسانی درخصوص دو مقوله مهم مرتبط با تهدیدات هسته‌ای ایران یعنی احتمال عدم حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران و احتمال کنار آمدن با ایران هسته‌ای در بین دو کشور وجود داشته باشد. این مسئله به قدری جدی است که هیچ یک از این دو گزینه، حتی در مذاکرات دوجانبه آن‌ها به‌عنوان یک سناریوی محتمل نیز مطرح نمی‌شوند.

این گزارش با بررسی دلایل احتمالی عدم همکاری آمریکا و اسرائیل در قبال برنامه هسته‌ای ایران، به تحلیل آنان از برنامه هسته‌ای ایران، ذهنیت و واکنش احتمالی هر یک از آنان در صورت آگاهی از نیت و برنامه‌های دیگری می‌پردازد.



### مقدمه

ایالات متحده آمریکا و اسرائیل، بیش از یک دهه است که مشغول مبادلات اطلاعاتی در زمینه برنامه هسته‌ای ایران هستند و در این زمینه حتی گام‌های مشترک نظامی نیز، مانند کمک‌های مالی آمریکا برای توسعه سیستم‌های ضد موشکی اسرائیل برداشته شده است.

از نظر آمریکا و اسرائیل برنامه هسته‌ای ایران غیرقابل قبول بوده و از این‌رو آنان تصمیم مشترکی را در زمینه متوقف کردن برنامه هسته‌ای ایران ابراز داشته‌اند. در این زمینه اگرچه بررسی‌ها نشان می‌دهد که اسرائیل اولین کشوری بوده که به‌طور واقعی تهدید ایران هسته‌ای را احساس کرده و آن‌را برای ایالات متحده آمریکا و سایر کشورهای جهان آشکار ساخته است اما برنامه هسته‌ای ایران برای آمریکا نیز هرگز مورد قبول نبوده است.

این گزارش به بررسی مذاکرات پنهانی آمریکا و اسرائیل در مورد برنامه هسته‌ای ایران پرداخته و با طرح اشتراکات نظری و عملی آنان در برخورد با مسئله هسته‌ای ایران، دلایل عدم تمایل دو طرف نسبت به تبادل اطلاعات سری خود به دیگری را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. از این‌رو در این گزارش پس از طرح پیشینه گفتگوهای دوجانبه آمریکا و اسرائیل در مورد پرونده هسته‌ای ایران، به ارزیابی مشترک آنان در خصوص این تهدید پرداخته شده و سپس راهکارهای آنان در تقابل با ایران مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت با اشاره به نگرانی هر یک از دو کشور در مورد نیت و اهداف دیگری در تقابل با ایران، راهکارهای خروج از این موانع در مذاکرات دوجانبه مورد ارزیابی قرار گرفته است.



ایالات متحده آمریکا و اسرائیل از سال ۱۹۹۰ میلادی تاکنون در زمینه مسئله هسته‌ای ایران در سطوح سیاسی و جاسوسی، گفتگوهای مداوم و طولانی داشته‌اند. در واقع از دوره اسحاق رابین تا ایهود اولمرت، مسئله هسته‌ای ایران و تهدید آن بر امنیت ملی اسرائیل، همواره یکی از اولویت‌های مذاکرات هر نخست‌وزیر اسرائیل با واشنگتن بوده است. این مسئله در ملاقات‌های بین وزرای امور خارجه و دفاع و بین سطوح مختلف دیگر نیز مورد مذاکره و گفتگو قرار گرفته است.

علاوه بر این در سال‌های اخیر رئیس سازمان جاسوسی موساد نیز، به‌منظور رسیدگی به مسئله هسته‌ای ایران به‌طور مکرر به واشنگتن سفر کرده و ملاقات‌هایی با همتای خود در سازمان سیا و مقامات عالی‌رتبه پنتاگون، شورای امنیت ملی آمریکا و سایر نهادها داشته است. همچنین رؤسای سازمان انرژی اتمی اسرائیل نیز در این خصوص ملاقات‌های مکرری با مقامات آمریکایی داشته‌اند و به‌طور گسترده‌ای به مذاکره در مورد مسئله هسته‌ای ایران پرداخته‌اند.

از اطلاعات به‌دست آمده از این سری ملاقات‌ها و تبادل اطلاعات جاسوسی آنان، این‌گونه برداشت می‌شود که هیچ‌گونه نشانه‌ای مبنی بر تصمیم آنان درباره حمله نظامی به ایران در این مذاکرات وجود نداشته و هر دو طرف اظهار داشته‌اند که گزینه حمله نظامی علیه تاسیسات هسته‌ای ایران را کنار گذاشته و اولویت را منحصراً بر اقدامات دیپلماتیک معطوف کرده‌اند. با این وجود هر دو کشور گام‌های مشترک عملی را در راستای افزایش امنیت اسرائیل در مواجهه با ایران هسته‌ای، مانند فروش



گسترده هواپیماهای اف ۱۵ به اسرائیل و حمایت‌های مالی آمریکا به این رژیم در زمینه سیستم موشک‌های ضد تانک و سایر سلاح‌ها، برداشته‌اند. علاوه بر این آمریکا و اسرائیل در ماه‌های اخیر در زمینه حمله نظامی به ایران نیز، مبادلات اطلاعاتی با یکدیگر داشته‌اند که اگرچه جزئیات این مذاکرات هرگز فاش نشده است اما مشورت‌هایی در سطوح بالا جهت جلوگیری از غنی‌سازی هسته‌ای ایران صورت گرفته است.

### ارزیابی مشترک آمریکا و اسرائیل در خصوص تهدید ایران

ایالات متحده آمریکا و اسرائیل ارزیابی مشترکی در زمینه نقش ایران به‌عنوان یک تهدید منطقه‌ای و بین‌المللی دارند. هر دو کشور معتقدند که هژمونی ایران در منطقه و نقش این کشور در به قدرت رساندن و رهبری عوامل رادیکال و تندروی مسلمان جهان، به‌عنوان یک تهدید برای منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود.

علاوه بر این آمریکا و اسرائیل افزایش قدرت ایران در عراق را نه فقط یک تهدید کلی برای آینده خود بلکه تهدیدی جدی برای کشورهای همسایه عراق مانند عربستان سعودی، اردن و به‌طور کلی خاورمیانه تلقی می‌کنند. در این میان از نظر آنان بدون شک برنامه هسته‌ای ایران نیز یکی از خطرناک‌ترین مواردی است که سایر تهدیدهای امنیتی خاورمیانه را تحت‌الشعاع قرار داده است. در این راستا از نظر آمریکا و اسرائیل مهم‌ترین تهدیدات هسته‌ای ایران برای منطقه عبارتند از:

۱. مسئله هسته‌ای ایران تشدیدکننده مسابقه تسلیحاتی در منطقه خاورمیانه می‌شود به‌گونه‌ای که کشورهایمانند مصر، عربستان سعودی، سوریه، اردن، ترکیه و الجزایر که اخیراً نیز مانند ایران اظهار تمایلی نسبت به دستیابی به انرژی هسته‌ای



کرده‌اند، در یک مسابقه تسلیحاتی قرار خواهند گرفت.

۲. همواره این خطر که توان هسته‌ای ایران در اختیار رژیم‌های افراط‌گرای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای قرار گیرد وجود دارد، به‌ویژه اینکه چنانچه رژیم ایران تغییر کند عملاً کنترل توان هسته‌ای آن در بحران‌های داخلی این کشور، از عهده آمریکا خارج است.

۳. با توجه به نادیده گرفتن پیمان عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای توسط ایران و پنهان‌کاری طولانی‌مدت فعالیت‌های هسته‌ای احتمال انحراف از برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران آن وجود دارد.

۴. امکان استفاده ایران از سلاح هسته‌ای، حتی اگرچه بسیاری از تحلیل‌ها احتمال آن را به حداقل تلقی می‌کنند وجود دارد.

۵. تهدید ایران در زمینه استفاده از سلاح هسته‌ای در راستای اهداف خود در منطقه، می‌تواند مستقیماً منجر به درگیری آن با آمریکا و اسرائیل یا هر دو کشور شود.

۶ - ایران هسته‌ای، چتر حمایتی برای هم‌پیمانان منطقه‌ای آن مانند حزب‌الله لبنان، سوریه و القاعده بوده که این مسئله نیز عملاً به تقویت آنان منجر می‌شود.

اگرچه آمریکا و اسرائیل نسبت به تهدیدآمیز بودن مسئله هسته‌ای ایران نظر یکسانی دارند اما نظر دو کشور در مورد زمان دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای متفاوت است. چنانچه در گذشته ایالات متحده بر این عقیده تأکید داشت که ایران چند سال دیگر تا دستیابی به بمب اتمی فاصله دارد. اما اسرائیل بر این اعتقاد بود که ایران به تکنولوژی هسته‌ای دست‌یافته و تنها زمان افشای آن را به آینده موکول کرده است. از این‌رو این دو کشور در مورد زمانی که ایران موفق به تولید نخستین بمب



اتمی می‌شود، توافق ندارند. با این وجود آمریکا و اسرائیل معتقدند که در صورت دستیابی ایران به توانایی هسته‌ای، این کشور به سادگی می‌تواند امکانات خود را در زمینه هسته‌ای، تکمیل کند. از نظر اسرائیل، ایران هسته‌ای یک تهدید حیاتی برای اسرائیل محسوب می‌شود از این رو اسرائیل برنامه هسته‌ای ایران را به‌عنوان تهدید امنیت ملی خود تلقی کرده که باید با هر هزینه‌ای در مقابل آن ایستاد و لااقل از شدت پیامدهای آن برای اسرائیل کاست. این مسئله از سوی ایالات متحده آمریکا نیز به دلیل نقش تهدیدآمیز آن برای متحدین آمریکا در خاورمیانه از جمله اسرائیل و رژیم‌های عرب یا نیروهای آمریکایی در منطقه و همچنین امنیت انرژی خاورمیانه از اهمیت بسیاری برخوردار است.

علاوه بر این ایالات متحده توجه خود را در زمینه توانایی‌های گسترده موشکی ایران یا تهدید انتقال این توانایی به تروریست‌های منطقه که می‌تواند بر متحدین اروپایی آمریکا نیز تأثیرگذار باشد معطوف کرده است. بنابراین ایران از نظر آمریکا نیز یک تهدید جدی برای منافع امنیتی آمریکا محسوب می‌شود و از این‌رو سیاست‌های پیشگیرانه‌ای برای غیراتمی شدن ایران ضروری است.

از سوی دیگر اسرائیل معتقد است که تهدیدات هسته‌ای ایران باید کاهش داده شده یا لااقل به تأخیر انداخته شود و این عمل نیز باید با تمام قوا و وسایل ممکن - در صورت امکان از طریق دیپلماتیک و در صورت لزوم از طریق نظامی - انجام شود. اما ایالات متحده معتقد است که در این زمینه باید از اختیارات دیگری نیز مانند بازدارندگی یا مجاب کردن استفاده شود در واقع آمریکا معتقد است که اگرچه ایران علاوه بر مسئله هسته‌ای به دلایل مختلفی از جمله دخالت در امور عراق، حمایت از



سازمان‌های تروریستی، اتحاد با سوریه و نادیده گرفتن قوانین حقوق بشر یک تهدید منطقه‌ای و جهانی محسوب می‌شود اما باید از کلیه روش‌های مسالمت‌آمیز برای توقف برنامه هسته‌ای استفاده کرد.

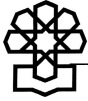
مجموعه این عوامل سبب شده است که ایالات متحده و اسرائیل به‌طور آشکار خواهان تعطیلی کامل فعالیت‌های اتمی در ایران باشند. با این وجود آمریکا و اسرائیل در طول این سال‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که ایران را نمی‌توان از داشتن یک نیروی هسته‌ای صلح‌آمیز که مصارف داخلی دارد بازداشت و از این‌رو آنان عملاً به تکمیل نهایی راکتور بوشهر و احتمالاً راکتورهای دیگری که در آینده به‌وجود خواهد آمد رضایت داده‌اند.

### گزینه‌های استراتژیک در گفتگوهای دوجانبه در خصوص مسئله هسته‌ای ایران

به‌طور کلی از نظر آمریکا و اسرائیل سه گزینه عمده برای مقابله با تهدیدات هسته‌ای ایران وجود دارد:

#### ۱. دیپلماسی و تحریم

اولین و مهم‌ترین سیاست مشترک آمریکا و اسرائیل در قبال ایران به‌کارگیری دیپلماسی و تحریم در راستای توقف فعالیت‌های هسته‌ای آن است. با این وجود در حال حاضر علی‌رغم افزایش فشارهای بین‌المللی در چند سال اخیر و تصویب دو قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل در زمینه ضرورت تغییر تصمیم ایران در ادامه



غنی‌سازی اورانیم، این سیاست با ناکامی مواجه شده است. بنابراین در شرایط کنونی ایران همچنان به رهبری رئیس‌جمهور رادیکال خود از پذیرش قطعنامه‌های شورای امنیت خودداری می‌کند. در این زمینه حتی احمدی‌نژاد از افزایش تنش‌ها با جامعه بین‌المللی نیز استقبال می‌کند. علاوه بر این تحولات اخیر نیز نشان داده‌اند که ایران به فشارهای بین‌المللی بی‌توجه است. در واقع ایران خود را یک بازیگر قانونی در صحنه بین‌المللی می‌بیند و بنابراین هرگز حاضر به پذیرش اقدامات تحمیلی آمریکا علیه ایران نیست و این امر باعث شده است که این کشور در شرایط کنونی با فشارهای سخت بین‌المللی مواجه شود. اگرچه مجموع این مسائل سبب شده است که هیچ امید مشترکی میان آمریکا و اسرائیل در زمینه کارایی تحریم‌ها و اعمال تغییرات دلخواه آمریکا و اسرائیل در قبال پرونده هسته‌ای ایران وجود نداشته باشد اما با توجه به نقاط قوت و ضعف متعددی که این سیاست به دنبال دارد هر دو طرف همچنان علاقمند به تداوم راه‌حل دیپلماتیک برای این مسئله هستند.

#### ۲. عملیات شبه نظامی

یکی دیگر از روش‌هایی که برای مقابله با ایران در نظر گرفته شده است ممکن است اقدامات شبه نظامی مانند اعمال محدودیت‌های حمل‌ونقل دریایی، تجاری و نظامی علیه ایران باشد. این اقدامات موجب محدودسازی صدور نفت یا اعمال محدودیت‌هایی در زمینه فراورده‌های نفتی مثل بنزین به ایران می‌گردند. در این راستا ایجاد محدودیت‌های هوایی نیز ممکن است اعمال شود. این اقدامات که از سوی ایالات متحده و اسرائیل مشترکاً اعمال می‌شوند نوعی اعمال زور در راستای وادار کردن ایران به پذیرش خواسته‌های جامعه بین‌المللی تلقی می‌شوند. در این زمینه اگرچه



اسرائیل هیچ‌گونه نقشی در مورد انسداد مسیر ناوگان‌ها نخواهد داشت، اما ممکن است در سایر زمینه‌های نظامی نقش فعالی را بر عهده گیرد.

### ۳. عملیات نظامی (حمله نظامی)

بحران واقعی در گفتگوی دوجانبه آمریکا و اسرائیل در زمینه برنامه هسته‌ای ایران زمانی آغاز می‌شود که هر دو کشور به این نتیجه برسند که کلیه گزینه‌های لازم یعنی تحریم و اقدامات شبه‌نظامی را آزموده‌اند و نتیجه‌ای عایدشان نشده است و بنابراین تنها راه پیشگیری و مقابله با ایران هسته‌ای را حمله نظامی بدانند. این حمله نظامی با اقدام مشترک هر دو کشور یا توسط برخی از متحدان آنان در قالب نیروهای ناتو و یا عملیاتی که به موجب تحریم‌های سازمان ملل صورت می‌گیرد متمرکز خواهد بود. در این میان از نظر آمریکا انجام عملیات نظامی توسط متحدان آن در ناتو یا از طریق شورای امنیت گزینه بهتری است زیرا که با توجه به وضعیت فعلی عراق، علاقه آمریکا به دخالت ناتو در این درگیری بیشتر است. با این وجود آنچه مسلم است اینکه ایالات متحده نه به اسرائیل و نه به توانایی‌های ناتو برای حمله نظامی به ایران احتیاج ندارد. اما هرگونه همراهی اسرائیل با آمریکا در این حمله صدمات جانبی مشارکت اسرائیل و پیامدهای امنیتی بسیاری را برای جهان عرب و متحدین آمریکا در منطقه به دنبال خواهد داشت. از این رو مشارکت متحدان آمریکا مانند ناتو و اعضای شورای امنیت به نسبت همراهی اسرائیل با این کشور، گزینه بهتری برای آمریکا خواهد بود.



### واگرایی آمریکا و اسرائیل در مذاکرات دوجانبه

مسئله هسته‌ای ایران مهم‌ترین مسئله‌ای است که در مذاکرات آمریکا و اسرائیل تاکنون مورد بررسی قرار گرفته است. این مسئله اگرچه به دلیل نگرانی‌های مشترک دو طرف از ایران هسته‌ای به وجود آمده است اما به سبب نگرش متفاوت آنان در قبال چگونگی تعامل با ایران با موانعی روبه‌رو شده است. بر این اساس دو کشور علی‌رغم نگرانی‌ها و ارزیابی‌های مشترک از برنامه هسته‌ای ایران نسبت به هرگونه مذاکره‌ای برای حمله نظامی به ایران تردید دارند. از این رو هر یک از دو طرف نیات و انگیزه‌های واقعی خود را در این زمینه از دیگری پنهان می‌کنند. در این میان اسرائیل از طرح هرگونه مذاکره در مورد حمله نظامی به این دلیل که این مسئله می‌تواند با مخالفت شدید آمریکا روبه‌رو شود خودداری می‌کند. از نظر اسرائیل طرح حمله نظامی به ایران ممکن است به سلب مسئولیت ایالات متحده در این زمینه بیانجامد و سبب تضعیف جایگاه اسرائیل در نزد آمریکا شود، بنابراین اسرائیل ترجیح می‌دهد تا آمریکا - که به تنهایی توانایی انجام عملیات نظامی علیه ایران را دارد - در اجرای این حمله پیش قدم شود یا اینکه حمله یک جانبه‌ای توسط اسرائیل بدون اطلاع آن به ایالات متحده علیه تأسیسات هسته‌ای آن صورت گیرد؛ چنانچه اسرائیل در اقدامی در سال ۱۹۸۱ میلادی در حمله به تأسیسات هسته‌ای عراق به این اقدام متوسل شد.

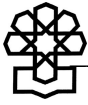
از سوی دیگر اسرائیل تمایلی نسبت به افشای تصمیم خود مبنی بر کنار گذاشته شدن گزینه حمله نظامی به ایران نیز نیست، زیرا که این مسئله مسلماً از فشار ایالات متحده بر ایران و یا طرح‌های آن برای حمله به ایران خواهد کاست.

بنابراین اسرائیل همواره در مذاکرات خود با ایالات متحده از طرح گزینه‌های



نظامی در قبال پروند هسته‌ای ایران خودداری می‌کند. از سوی دیگر ایالات متحده آمریکا نیز در مذاکره با اسرائیل در مورد گزینه‌های حمله نظامی به ایران همواره در اعلام این مسئله به اسرائیل مردد بوده و تنها در آخرین مرحله اجرای آن به این مسئله مبادرت خواهد کرد؛ همان‌گونه که در دو جنگ خلیج فارس این‌گونه عمل کرده است. علاوه بر این ایالات متحده هیچ ضرورتی برای طرح گزینه حمله نظامی به ایران در مذاکرات خود با اسرائیل ندارد زیرا که این مسئله به نوعی می‌تواند تأیید ضمنی برای حمله اسرائیل به ایران تلقی شود. همچنین ایالات متحده در صورتی که تصمیمی نسبت به تعلیق حمله نظامی به ایران یا کنار گذاشتن این گزینه داشته باشد هرگز تمایلی ندارد که اسرائیل اطلاعاتی در این زمینه به‌دست آورد زیرا که آمریکا نگران است که این تصمیمش توجیهی برای حمله مستقل و یک‌جانبه اسرائیل علیه ایران محسوب شود و به‌عبارت دیگر اسرائیل ممکن است با اطلاع از تصمیم قطعی آمریکا در مورد سازش با ایران هسته‌ای مستقلاً به اقدام نظامی علیه ایران دست زند.

مهم‌ترین دلیلی که سبب واگرایی آمریکا و اسرائیل در مذاکرات دو جانبه در قبال حمله نظامی به ایران می‌شود نگرانی آنان از پیامدهای هرگونه حمله نظامی به تأسیسات ایران یا دغدغه‌های استراتژیک متفاوت آنان است. در واقع اگرچه هر دو کشور از برخی پیامدهای نامطلوب بین‌المللی حمله نظامی و واکنش‌های احتمالی ایران مانند خروج آن از ان.پی.تی یا ایجاد جنگ منطقه‌ای در خاورمیانه آگاهند اما نگرانی‌های آمریکا در مورد شکست کامل استراتژی آن در منطقه و بحرانی‌تر شدن اوضاع آن در عراق سبب دور شدن مواضع آنان از یکدیگر می‌شود. بنابراین دو کشور تلاش می‌کنند تا با پیگیری استراتژی دیپلماسی و تحریم، ایران را ملزم به



توقف برنامه هسته‌ای خود کنند و به تقویت جریان‌های معتدل داخلی ایران و ظهور یک رژیم سازگار با هنجارهای بین‌المللی کمک کنند. با این وجود آمریکا و اسرائیل تاکنون در مذاکرات دو جانبه خود به برخی واکنش‌های احتمالی حمله نظامی به ایران توجه کرده‌اند، از نظر آنان ایران ممکن است در واکنش به حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای خود به اقدامات زیر متوسل شود:

۱. مسدود کردن تنگه هرمز یا مین‌گذاری در خلیج فارس توسط ایران و قطع جریان نفت که مستلزم عملیات نظامی وسیع‌تری خواهد بود،
۲. اقدامات تروریستی علیه اسرائیل و یهودیان در سایر نقاط جهان یا علیه نیروهای آمریکایی در منطقه و گسترش اعمال تروریستی در صحنه جهانی،
۳. دخالت‌های بیشتر ایران در عراق برای خنثی کردن تلاش‌های آمریکا در آن کشور،
۴. حمله‌های مکرر حزب‌الله به اسرائیل و احتمالاً تهاجم اسرائیل به لبنان و وقوع وضعیت انفجاری بیشتر در خاورمیانه،
۵. حمله مستقیم نظامی ایران به اسرائیل و آمریکا،
۶. حمله سازمان‌های تروریستی و رادیکال منطقه به منافع آمریکا و اسرائیل که در نتیجه همدردی آنان با ایرانیان به وقوع خواهد پیوست.

### سازش با ایران هسته‌ای

اسرائیل و آمریکا هرگز در مورد اینکه تحت چه شرایطی علاقمند یا مجبور به سازش با ایران هسته‌ای هستند به توافق نرسیده‌اند. با این وجود اگرچه در این زمینه دیدگاه‌های ناخوشایندی بر رهبران هر دو طرف حاکم است و یقیناً این مسئله مخالف



وضعیت و شرایط مطلوب آنان در تقابل با مسئله هسته‌ای ایران است، اما از نظر آنان گزینه سازش با ایران را باید در صورت عدم کارایی اعمال سیاست‌های دیپلماتیک و جنگی و به‌عنوان یکی از محورهای مذاکرات دوجانبه در نظر داشت.

در این میان اسرائیل بیش از آمریکا در زمینه مذاکره پیرامون قبول ایران هسته‌ای مردد بوده و حتی معتقد است که این تصور خارج از بحث و مذاکره است. ایالات متحده نیز به انتخاب گزینه ایران هسته‌ای تمایلی ندارد و احتمالاً عدم تمایل آمریکا نسبت به هسته‌ای شدن ایران کمتر از اسرائیل نیست. از این رو واشنگتن از این مسئله بیمناک است که اسرائیل مذاکراتی با این محتوا را به معنای عدم تمایل آمریکا به اقدامات نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران تلقی کرده و مستقلاً به اقدام نظامی متوسل شود؛ زیرا که تهدیدات هسته‌ای ایران برای اسرائیل آنچنان ترسناک و قریب‌الوقوع است که هرگونه کاهش یا حذف گزینه نظامی علیه برنامه هسته‌ای ایران نوعی زنگ خطر برای امنیت ملی اسرائیل تلقی می‌شود. با این وجود با شکست گزینه‌های دیگر و نبودن گزینه‌ای بهتر، ضرورت قبول ایران هسته‌ای برای آمریکا و اسرائیل مطرح می‌شود.

به‌طور کلی با دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای، ایالات متحده و اسرائیل به سه گزینه برای سازش با ایران هسته‌ای دست خواهند زد.

**الف) بازدارندگی:** با دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای و امکان استفاده آن از سلاح اتمی و ایجاد قدرت بازدارندگی برای ایران، ایالات متحده کلیه امکانات خود را برای خنثی کردن این تهدید به‌کار خواهد بست. در این شرایط در صورتی که ایران از سلاح اتمی استفاده کند آمریکا نیز متقابلاً از توان هسته‌ای خود استفاده خواهد کرد



بنابراین از نظر آمریکا ایجاد نوعی بازدارندگی در مقابله با ایران، امکان سازش با ایران هسته‌ای را به‌وجود می‌آورد.

**ب) استقرار سیستم امنیتی:** با هسته‌ای شدن ایران، ایالات متحده آمریکا به سمت استقرار سیستم امنیتی جدیدی برای منطقه حرکت خواهد کرد و تعهدات و الزاماتی برای حفظ یکپارچگی و وحدت کشورها بر عهده خواهد گرفت. در اینجا پرسشی که مطرح می‌شود این است که چه تعداد از کشورهای منطقه علاقمند به پیوستن به این ترتیبات امنیتی خواهند بود. به نظر می‌رسد که احتمالاً بسیاری از کشورهای منطقه از پیوستن به این ترتیبات امنیتی امتناع خواهند کرد. در واقع در صورتی که آمریکا این تعهد را بدهد که نسبت به تغییر حکومت آنان اقدامی نخواهد کرد و امنیت آنان را نیز تضمین خواهد کرد، بسیار بعید به نظر می‌رسد که حداقل دو کشور ایران و عربستان سعودی به همکاری در چارچوب سیستم امنیت منطقه‌ای جدیدی در خاورمیانه با مشارکت اسرائیل رضایت دهند.

**ج) تغییر رژیم:** گزینه تغییر رژیم سال‌هاست که از سوی ایالات متحده و اسرائیل به‌عنوان اصل و مبنایی اساسی جهت نپذیرفتن ایران هسته‌ای مطرح می‌شود. از نظر این دو کشور پذیرش یک ایران هسته‌ای میانه‌رو، مسلماً از نگرانی‌های استراتژیک آنان در قبال برنامه هسته‌ای ایران خواهد کاست. با این وجود با توجه به مشکلات بسیاری که تغییر رژیم برای آمریکا و اسرائیل به دنبال دارد آنان گزینه تغییر رژیم را عملی ندانسته و تنها به دنبال تقویت حکومتی میانه‌رو در ایران در راستای سازش با ایران هسته‌ای هستند.



## رفع موانع گفتگو در زمینه‌های نظامی

همان‌طور که گفته شد برخی از اجلاس‌های دوجانبه در زمینه تبادل نظرهای استراتژیک میان آمریکا و اسرائیل علی‌رغم رویکردهای متفاوت آنان در مورد حمله نظامی به ایران برگزار شده است. با این وجود این اجلاس‌ها معمولاً موضوعات گسترده‌ای را دربرمی‌گیرند و از این رو نمی‌توانند سازوکارهای مناسبی را برای برطرف کردن موانع موجود در تعامل با برنامه هسته‌ای تدوین کنند. به منظور کارآمد ساختن این مذاکرات باید از روش‌های زیر برای برطرف کردن اختلاف نظرات دوجانبه آمریکا و اسرائیل در قبال ایران هسته‌ای استفاده شود:

**گزینه ۱. گفتگوهای مفصل سازنده:** این گزینه بحث در مورد مسائلی از قبیل اهداف حمله به ایران در صورت اقدام نظامی ایران و پیامدهای آن و واکنش‌های احتمالی ایران و تبعات منطقه‌ای و بین‌المللی را دربرمی‌گیرد.

**گزینه ۲. گفتگوهای صریح و خصوصی مقامات:** رویکرد دوم رویکردی از بالا به پایین است که بر برگزاری اجلاس‌های خصوصی میان رئیس‌جمهور آمریکا و نخست‌وزیر اسرائیل تأکید دارد. در این شرایط تبادل نظرهای نسبتاً بی‌پرده و خصوصی افزایش یافته و آنان اگرچه تعهد واقعی نسبت به یکدیگر نداشته باشند اما تمایل بیشتری برای طرح نیات کلی خود دارند.

**گزینه ۳. فرستادگان ویژه:** این رویکرد به گزینه دو بسیار شباهت دارد اما به‌طور مستقیم سران کشورها را درگیر نمی‌کند و انعطاف بیشتری دارد.



**گزینه ۴. مذاکرات غیررسمی:** روش دیگر، مذاکرات غیررسمی است که بازیگران آن مقامات سابق، دانشگاهیان و روزنامه‌نگاران و سایر افراد شناخته شده در دو کشور هستند.

## انجام گفتگوهای دوجانبه

اگر به‌صورت آرمانی بنگریم گفتگوی آمریکا و اسرائیل در مورد تهدید هسته‌ای ایران، بررسی جامع و عمیق کلیه گزینه‌های برخورد با ایران و تنظیم یک استراتژی مشترک را دربرخواهد گرفت. این مذاکرات همچنین با توجه به گسترش فرایند توسعه هسته‌ای ایران تدوین خواهد شد. در این زمینه اگرچه هر یک از مراحل ممکن است تنها چند ماه طول بکشد اما تمایزگذاری بین این مراحل عملاً دشوار خواهد بود. مهم‌ترین مراحلی که در روند گفتگوهای دوجانبه آمریکا و اسرائیل وجود خواهند داشت را می‌توان به‌صورت زیر پیش‌بینی کرد:

۱. وضعیت فعلی؛ مادامی که دولت ایالات متحده و اسرائیل امید چندانی به تأثیر اقدامات دیپلماتیک ندارند. در این شرایط با توجه به اینکه هر دو معتقدند مسیر دیپلماتیک محکوم به شکست است هرگز مشخص نیست که این مرحله چه مقدار طول خواهد کشید.

۲. بعد از آنکه اقدامات دیپلماتیک و شبه نظامی (تحریم دریایی) آشکارا با شکست مواجه شود.

۳. وقتی که ایران توانمندی هسته‌ای خود را فعلیت بخشد و به‌عبارت بهتر سوخت فسیلی کافی برای اولین بمب اتمی را آماده کند.



۴. وقتی ایران عملاً توانمندی هسته‌ای در سطح عملیاتی داشته باشد، یا تصور عملیاتی شدن توانمندی ایران وجود داشته باشد.

از نظر آمریکا و اسرائیل صرف‌نظر از اینکه این گفتگوها چگونه باشد مذاکرات باید به سرعت به سطح عالی‌ترین مقامات نظیر نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور برسد. تنها در آن سطح است که طرف‌ها می‌توانند گفتگو و مذاکره انجام دهند. در چنین سطوحی است که می‌توان به مسائل مربوطه رسیدگی کرد. در این زمینه اگرچه هر دو کشور آمریکا و اسرائیل به وضوح اظهار داشته‌اند که آن‌ها حمله نظامی را به‌عنوان آخرین گزینه در نظر دارند، ولی آنان عملاً سناریوهای زیر را در مواجهه با بحران هسته‌ای ایران در نظر گرفته‌اند.

۱. اقدام چندجانبه پیشگیرانه از طرف آمریکا یا حمله پیش‌دستانه از طرف اسرائیل،

۲. حمله به تأسیسات اتمی ایران،

۳. افزایش تنش میان اسرائیل و ایران و یا به احتمال قوی‌تر میان اسرائیل با

سوریه، حزب‌الله و سایر دولت‌ها و گروه‌های رادیکال منطقه که ایران چتر هسته‌ای را برای آنان ایجاد خواهد کرد،

۴. انتقال یافتن تجهیزات هسته‌ای ایران به کشورهای دیگری مانند لبنان یا سوریه،

۵. تغییر رژیم ایران.

### نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطرح شده، به نظر می‌رسد که هرگز نمی‌توان میزان و معیاری در مورد سطح پیشرفت مذاکرات ایالات متحده آمریکا و اسرائیل ارائه کرد. در این زمینه



شاید تنها چیزی که تاکنون به‌طور آشکار در گفتگوهای دوجانبه میان آمریکا و اسرائیل وجود داشته، گفتگوهایی بر سر قدرت هسته‌ای ایران بوده است.

بر این اساس به نظر می‌رسد که دولت‌های مستقلی که روابط استراتژیک نامتقارنی دارند هرگز تمایلی به مذاکرات آشکار در خصوص نیات و توانمندی‌های خود، حتی با نزدیک‌ترین متحدین خود ندارند.

به‌طور کلی از مباحث مطرح شده فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که مسئله ایران می‌تواند به‌عنوان محکی بسیار استثنایی در ارزیابی میزان استحکام و گرمی روابط آمریکا و اسرائیل در نظر گرفته شود. همچنین این مسئله نشان‌دهنده آن است که متحدین، به‌خصوص متحدین دارای روابط نامتقارن وابستگی، تمایلی به تبادل اطلاعات و مشاوره با یکدیگر درباره موضوعات بسیار حساس استراتژیک ندارند.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۸۹۰۰

عنوان گزارش: پشت پرده گفتگوهای آمریکا و اسرائیل درباره برنامه هسته‌ای ایران

**Report Title:** Speaking About the Unspeakable: U.S- Israeli Dialogue on Iran's Nuclear Program

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

ترجمه و تلخیص: وجیهه مهری پرگو و مهدی جاودانی مقدم

ناظر علمی: محمد جمشیدی

متقاضی: معاونت پژوهشی

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آن‌ها:

۱. ایران (Iran)

۲. حمله نظامی (Military Attack)

۳. اسرائیل (Israeli)

۴. آمریکا (U.S.)

۵. تحریم‌ها (Sanctions)

۶. برنامه هسته‌ای (Nuclear Programme)

۷. ایران هسته‌ای (Nuclear Iran)

منابع و مآخذ تهیه گزارش: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۶/۱۲/۱۵